

## خبرها

## کمیک استریپ نوآر بر پرده سینما

## حداکثر وفاداری فیلم به کتاب



آشیا ابراهیمی

حقی شمعف سه فیلم قابل تحمل «بچه های جاسوس» هم نمی تواند اعتبار هنری و تجاری فراوانی که رابرت رودریگز با ساخت آثاری مثل «دهسپرادو» و «از شام تا بام» کسب کرده را از بین ببرد. او هنوز هم می تواند تصمیم به ساخت فیلمی متفاوت و مهم بگیرد و فوجی استارهای هالیوود را برای این منظور بسیج کند. اما آیا اینکه بدانیام رودریگز این بار چه کار نامتعارفی کرده، او را باید فرانک میلر یا شرابشیم.

میلر یکی از معروفترین خالقان کمیک استریپ بر دهه هفتاد و هشتاد است. او مدت زیادی نویسنده و نقاش بی باک، Daredevil بوده و بر اساس یکی از شخصیت های این داستان ها، دو کتاب «الکترا» را هم نوشته که هر دو شخصیت طی سال های اخیر بر پرده سینما هم جان گرفته اند. او همچنین بر مبنای یکی از شخصیت های «Men-X» به نام «اووین» (همان که در نسخه سینمایی، هیچکس نقشش را ایفا می کند) چند داستان نوشته است. چند کتاب بسیار تحسین شده یمن در دهه هشتاد و نود اثر بوده و شخصیت رودریگز و داستان او خلق شده است. رودریگز با نام «تیره و تیره» و داستان نوری تلخ ایستاد که به گفته خودش تحت تأثیر نویسندگان نوری تلخ ایستاد که در گذشته خودش چند روز و هفت است. نکته جالب اینکه فرانک میلر هم برای دی سی کامیکز نوشته و هم برای مارول کامیکز.

سفر در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ از نوشتن فیلمنامه «روبوگات» و «هابیوگات» همکاری داشت و تاراشی بودنش از همکاری با هالیوود باعث شد تصمیم بگیرد دیگر حقوق

## موسیقی

## جنسواره SXSW و دعوت از یک گروه موسیقی راک ایرانی

چنگیز محمدرضا

پیش از آغاز تابلوریز تور خرابی فراوانی از برنامه های گروه هنرمندان موسیقی ایرانی شنیده می شد تا نبود در این تعطیلات به کشورهای دیگر سفر کنند و به اجرای برنامه بپردازند. گروهی نیز در میان آنها وجود داشت که هر چند قرار بود راهی جنسواره معتبری در آمریکا بود اما غیر از شنیده هیچ چیز دیگری حاکمی از برنامه آنها در جایی درج نشد.

گروه که ۱۲۷ کادر در هفته های آخر سال ۱۳۸۳ خود را برای سفر به تگزاس و ویرجیا اولین برنامه خارج از کشور آماده می کرد اما اعضای آن اعلامی داشتند که پیش از فیلم شدن این سفر، صحبت چندانی درباره آن نکنند.

جنسواره SXSW در آستین، محلی بود که میزبانی آنها را پذیرفته بود و در سایت اینترنتی خود نیز بر روی این موضوع که قرار است یک گروه موسیقی را که از آن در آن جنسواره حاضر شوند به خوبی مطلع می کرد. داد و داغ در همان زمانی که عده محدودی از هنرمندان جوان موسیقی کشور در سوکت، منتظر نشانی این دعوت بودند، روزنامه نگاران و دست اندکاران این جنسواره SXSW به این موضوع نیز پرداختند. اما همانطور که برخی پیشانی بی بی هاشام می داد، ۱۲۷ تنوانستند جنسواره برسد و نیز آنها در دی وی و پست درهای سفارت آمریکا متوقف شد. هنرمند هم به گفته میزبان «جنسواره گروه» جواب درخواست زبانی آنها نیاورد. هر چند که «نه خودمان تریوست همیشه و نه پدرهایمان!» SXSW جشنواره ای است که حتی گروههای کارآزموده موسیقی (بویوس موسیقی) می توانند با ارسال آثار خود، برای اجرای حضور بر روی پدیا کنند. ۱۲۷ نیز اواسط پاییز گذشته دست به چنین اقدامی کردند و در دی ماه ۱۳۸۳، در دست همان شب که مجوز کسرت گروه در کتاب لغو نشد، صحبت جنسواره SXSW برای حضور آنها در آستین، به دستمان رسید.

بر اساس برنامه های جنسواره ۱۲۷ می باشد در ۲۹ اسفند، هفتاد و نوزدهم می باشد. صنعت نفت، به اجرای برنامه بپردازد و اعضای گروه نیز از پنج اسفند به دی و رفتند تا ۲۷ اسفند در جنوب، جنوب فارس سفر می مانند. ۱۲۷ که با هزینه خود این سفر را آغاز کرده بود پس از ۲۲ روز وادامه شدن دریاچه و به کشور بازگشت. اطهر که محلی می گوید، شاید تعطیلات چهار روزی هم در سفرات در هر هفته، نیز در این روند می بگذرد. هیچ و پنجشنبه هم سیستم اداری نمی تعطیل بود و جشنواره و یکشنبه، سفار کشیده، هیچ کمک مالی یا حمایتی هم از ما وجود داشت و طبیعتاً همیشه ششم به ایران برگردیم.

جنسواره ای برای شاشانها  
جنسواره SXSW که اسفند نوزدهمین خود بود، راپیشت سر گذاشت به دلیل حضور کمپنی های موسیقی به مرکز تک تبدیل شد که بسیاری از گروهها به آن به عنوان حمایتی برای دست یافتن به شهرت و مطرح شدن شرکت کنندگان نگاه می کنند. این جنسواره در سالهای اخیر به مطرح شدن گروههای هنرمندانی چون نورا اجوز، The Darkness، وایت آلبوم و فرانز فریدماند کمک کرده است.

علاوه بر این SXSW برای تثبیت کیفیت گروههای مطرح نیز بسیار مفید عمل کرده و بر خلاف علاقه به حضور موسیقی نیز این زمانه را از دست نمی دهند چرا که امکان دیدن اجرای زنده موسیقی از کلتوری تا تمام پانک تا هیپ هاپ و راک تاریخی در آن

بپذیرفتند، به این ترتیب «شهر گناه» با حضور بروس ویلیس، متکی روزک، جیسکا آرن، کلاوین، نیک استال، ایچا وود، روزا ریو و داون، مایکل کلارک داکن، برنتی مورفی، نینسیو دل ووزیو و مایکل مایفس، بر سرانه ترین فیلم ۲۰۰۵ است.

اما کار تازه و بی سابقه رودریگز در این فیلم این است که با توجه به غنای تصویری آثار فرانک میلر در قالب بندی و نحوه روایت، تصمیم گرفت افزایش را غنای کتاب انجام بدهد و دقیقاً از نمایان آن استفاده کند. به همین خاطر هم امیراز دلش نام فیلم در کتاب نام او به فیلم کارگردانی در فیلم تبدیل وقتی که انجام کارگردان ایالات متحده اجازه استفاده از نام میلر به عنوان کارگردان نداد، رودریگز در عوض در انجمن استعفا داد تا با خیال راحت اسم میلر را هم بیاورد.

الته کوئینتن تارانتینو هم کارگردانی یک سکانس از فیلم رابرت رودریگز به مجموعه ای به نام شهر گناه علاقه مند شده است. ۲۳ موبیته من ساخت در مقابل آن یک دلار دستمزد گرفت (۱)، تارانتینو هم قول داد که در ازای یک دلار دستمزد، کارگردانی بخشی از «شهر گناه» انجام بدهد. بخصوصی که او همیشه کنجکا بود که فیلم دردی ریچیتال را انتخاب کند و این فیلم فرصت خوبی برای این کار بود. به این ترتیب تکروز که رودریگز می توانست سر صفحه برود، تارانتینو جای اوزا گرفت و بخشی از فیلم توسط کارگردانی شده است.

نکته دیگر اینکه «شهر گناه» هم درست مثل «کلیپتان اسکای و دیای» در تارانتینو در برابر پرده سر رنگ فیلمبرداری شده و هم سبک سینه ها با صدا توسط کامپیوتر ایجاد شده است. هدف رودریگز از این کار خلق دقیق تر و ساده تر و هنری می داد و در نتیجه ستارگان زیادی با کمال میل بازی در آن را

تصویری کمیک استریپ «شهر گناه» بوده است. همچنین در فیلم هم درست مثل کمیک استریپها، با بیشتر نماها سیاه و سفید بوده و به ندرت از رنگ استفاده شده است. اگر هنوز به خلافت متفاوت بودن رودریگز ایمان نیاورده اید، این را هم بداند که او چنین فیلمی - که قاعدتاً باید بیش از صد میلیون دلار خرج داشته باشد - را با چهل میلیون دلار ساخته است.

کمیک استریپ های «شهر گناه» شامل داستان هایی تیره و تار با فضا و شخصیت های نوآر است که همه در شهری می گذرند که فساد حتی نیروهای پلیس را هم در بر گرفته است و معدود آدمهای خوب این شهر باید با این فساد مبارزه کنند. رودریگز فیلمنامه اش را بر مبنای سه داستان از این مجموعه به نام های «شهر گناه» (اولین داستان مجموعه)، «خوشگلک لیس زرد پوشیده» و «آن هزاره زرد پوشیده و فیلم کوتاه اولیه هم افتتاحیه آن است. شخصیت مرکزی این داستان ها یک مریز خیابانی به نام مارو (میکو روزک) است که به دنبال پیدا کردن قاتلان یک دختر و گرفتن انتقام او، شهر را زیر پا می گذارد. ابتدا قرار بود داستان رفتن به جهنم و بازگشت از آن هم در این فیلم باشد و نقش شخصیت اصلی آن را هم جانی دب ایفا کرد اما در روزی روزگاری در مرکزیک، هم با رودریگز همکاری کرده است. اما این داستان از فیلم حذف شد و احتمال دارد اگر رودریگز تصمیم به ساخت دنباله «شهر گناه» بگیرد و به سراغ آن برود.

«شهر گناه» در نخستین هفته نمایش با فروش بیش از بیست میلیون دلار در صدر جدول فروش ها قرار گرفته و این موفقیت امید به ساخت دنباله های آن را زیاد می کند. باید یاد رودریگز و میلر چه تصمیمی می گیرند.

## سینما

## رؤیاهایی از جنس

## تیره ترین لحظات زندگی

گفت و گو با رابرت رودریگز  
کارگردان فیلم شهر گناه

رابرت رودریگز کارگردان آثاری چون «دهسپرادو»، «ال ماریاچی» و «بام تا شام» پس از ساختن سه گانه بچه های جاسوس برای استودیو میرامکس، بار دیگر به دنیای شخونت بی حد و حصر بازگشت و این بار اقتباسی از کتابهای کمیک فرانک میلر تحت عنوان «شهر گناه» را انتخاب کرده است و البته فرانک میلر نیز در نگارش فیلمنامه و همچنین کارگردانی دستیار رودریگز نیز به عنوان کارگردان موسوم و همکار ستاره با کارگردانی کرده است.

فیلم رودریگز به شدت تحت تأثیر قصه های عامه پسند تارانتینو است و از سه داستان موزی تشکیل شده که در آن هنرپیشگانی چون بروس ویلیس، کلاوین، متکی روزک و جیسکا آرن حضور دارند. نکته مهم در برده این فیلم کاره گیری رودریگز از انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) به دلیل اسرار برای حضور فرانک میلر در مقام کارگردان دوم فیلم است چون طبق قوانین این انجمن دو نفر نمی توانند کارگردان یک فیلم باشند. در این گفت و گو رابرت رودریگز توضیحات بیشتری درمورد این فیلم و نحوه انتخاب بازیگران درمورد این پروژه چگونه شکل گرفت و آیا شما از ابتدا از علاقه مندانه این کتاب کمیک بودید؟

من از علاقه مندانه این سری کتاب کمیک بودم و از سال ۱۹۹۲ به طور مرتب شماره های آن را خریداری می کردم و معتقدم که بایستی یک فیلم نوآر بر اساس داستان آن ساخته شود ولی امکان آن را چندسال قبل پیش نیامد. من با ساخت سری فیلمهای بچه های جاسوس در موفقیت خوبی بودم و به مردم گفتند که حالا خیال ساخت این فیلم را رها نپسند. اما هرچه به شماره های مختلف نگاه می کردم بیشتر مطمئن می شدم که این فیلمها بچه های جاسوس نیست و به احتمال زیاد در مورد فیلمها تیراهم است و به قدری برای قدرتمت برای است که من توان آن را می دانم. کارهای بزرگ به این سبب منتقل کرد.

از آن من خواستم آن را به فیلمنامه تبدیل کنم و بسپارم. قطعاً تیراهم در آن می توانی می خواستم آن را دقیقاً به نام من مکتبی که بوده فیلمبرداری می نمایان آن همان ابتدا حضور یک فیلمنامه نویس منتفی شد.

زمانی که فرانک میلر این سری کتابهای کمیک را نوشت قرار از نگارشی برای اعمال در اقتباس سینمایی آن آنها بود و زمانی شخصیت ها و افرادی که در زندگی واقعی میگذر با آنها برخورد نمی کنید همیشه وسوسه کشنده این چون می توانی تیلی روهای شما باشد هر چند که این روها تیره تیره بخش زندگی باشند. شهر گناه شاید پردرستریترین فیلم من بود، هر چه در ابتدا تصویری کردم ساده ترین آنها خواهد بود چون فقط قصد کمی کردن فیلم را داشتم.

همکاری شما با فرانک میلر چگونه بود؟  
من همان ابتدا می خواستم فرانک پیش از آنکه از فیلم یا تهیه کننده فیلم باشد کارگردان این فیلم باشد چون در غیر این صورت باید گوشه ای می نشست و هر از چند گاهی یک لیوان قهوه و یا یک ناستدویج می خورد و حضور او در سر صحنه نمی توانست پر رنگ تر از این باشد. اما اگر کارگردان بود همه به نظرات او احترام می گذاشتند.

از طرفی من نمی خواستم این فیلم فقط به نام شما نام شود و میلر بود اما حد امکان همان هدیه ای را که در داستانش داشته به فیلم منتقل کند. فرانک شخصیت ها را به خوبی می شناخت و چون سالها با آن زندگی کرده بود و از این رو به خوبی با هنریشه ها ارتباط برقرار می کرد و آنها را در کانسای های مختلف راهنمایی می کرد.

در مورد انتخاب هنریشه ها آیا انتخابی بود که موفق نشدند نظرشان را برای بازی در این فیلم جلب کند؟

وقتی که شما هنریشه ای را برای فیلم انتخاب کردید و با کار را به نتیجه رساندید نمی توانید به عقب برگردید و کار را از هنریشه دیگری در دستتان مرور کنید چون این هنریشه حالا شخصیت فیلم شماست و مرور ایده های اولیه بدون او امکان پذیر نیست. البته من برای نقش ایلیا در «تارانتینو» با هم بودم و او هم با بازی در این فیلم موفق بود و من هم در این فیلم موفق بودم و دوستی من با او در این فیلم باقی ماند.

تاریخچه همکاری شما با امیراز در «شهر گناه» چگونه بود؟  
تا آنوقت که من می خواستم این فیلم را با امیراز ساختم و او می خواست این فیلم را با شامل دو دیسک کارگردانی کند. در دیسک دوم یک یک از تاریخچه همکاری شما خواهد بود تا اینکه تجربه همکاری هم در آن داستان ها به پایهایی به شما نقل کرد. هم درست مثل اینکه یک کتاب را برداشته و از ابتدا تا به انتها خوانده است.



فراموش است.  
گروهها و هنرمندان انگلیسی برای مطرح شدن در آمریکا، حساب جابگاهانه ای بر روی این جنسواره بازی کنند.

در این دوره از جنسواره، بیش از یک پنجم اجراها به گروههای خارجی اختصاص داشت و از میان ۱۳۵۰ گروه و هنرمند حاضر در آستین، ۲۹۲ گروه از کشورهای دیگر به ایالت تگزاس سفر کرده بودند. ۷۰ گروه و ۷۰۰ گروه از کانادا، ۲۰ گروه از ژاپن، ۱۱ گروه از فرانسه، ۹ گروه از سوئد، پنج گروه از هلند، دو گروه از آلمان و یک گروه که قرار بود از ایران باشد، میهمانان این جنسواره را تشکیل می دادند. به غیر از گروه ایرانی یک گروه از فرانسه نیز توانست مشکلات ویزای خود را رفع کند و در جنسواره حاضر شود.

این مشکل برای خود هنرمندان آمریکایی نیز مایه دردمر شده به طوری که یک شرکت غیرانتفاعی به نام تامیزداد، از سال ۱۹۹۷ برای کمک به هنرمندان خارجی برای دریافت ویزای آمریکا فعالیت خود آغاز کرده است. اما مثل اینکه کمکهای این نیز توان همیه امیو را بود چرا که مسئولان این شرکت که با مسئولان ایالت میانی آن چندین روز دریافت ویزا صرف خواهد شد، پاسخ می دهند: «ببین بیخ و بزمی زور می مانه».

گفت و گو با دالاس نیوز  
گویا آمریکایی ها با حضور یک گروه ایرانی در SXSW، بیشتر از ما ذوق زده بودند، به طوری که اسرور کریستنسن، از دالاس نیوز تقدیر طاعت لیوید کرد و برای چهارمین بار نیز کنشورش برسد و در مدتی که آنها در دیسک مسجراحی رفتی یا میهمانان در ۱۲۷ کریستنسن، ۱۲۷ راولین گروه که ایرانی عنوان کرده است که در ایالات متحده